

292268 - ملحد می گوید: اگر الله یک «شیء» است بنابراین باید مخلوق یا زوج باشد

سوال

آیا بنابر این سخن الله متعال که می فرماید: ﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ﴾ [ذاریات: ۴۹] (و از هر چیزی دو گونه (نر و ماده) آفریدیم) الله یک شیء (یک چیز) است؟

پاسخ مفصل

به هر چیزی که موجود است شیء (چیز) گفته می شود. به این معنا که آن چیز در خارج [از ذهن] موجود است.

الله تعالی یک ذات حقیقی موجود است، بنابراین از وی به عنوان یک شیء نام برده می شود، چنانکه می فرماید:

﴿قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ﴾ [انعام: ۱۹]

(بگو گواهی چه چیزی از همه برتر است؟ بگو الله میان من و شما گواه است).

لفظ «شیء» بر قدیم و بر مُحدَث و بر واجب الوجود و ممکن الوجود اطلاق می شود.

بلکه حتی معانی را یک چیز (شیء) می گویند زیرا در ذهن موجود است و در مورد معدودی که به وجود نیامده نیز گفته می شود این چیزی است در علم خداوند و چیزی نیست در وجود.

امام بخاری . رحمه الله . در صحیح خود (۱۲۴ / ۹) باب ﴿قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ﴾ می گوید: «الله تعالی خود را یک شیء نامیده و پیامبر . صلی الله علیه وسلم . قرآن را یک شیء نامیده و این صفتی از صفات الله است، که فرموده است: ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ [قصص: ۸۸] (هر چیزی جز ذات او نابود شدنی است)».

شیخ عبدالله الغنیمان . حفظه الله . می گوید:

«منظور ایشان (امام بخاری) این است که لفظ «شیء» بر الله تعالی اطلاق می شود و همینطور بر صفات او و معنی اش این نیست که «شیء» از اسماء الله باشد، اما درباره الله گفته می شود که او شیء است و همینطور درباره صفات او گفته می شود که شیء است؛ زیرا درباره هر موجودی درست است که گفته شود آن یک شیء است» (شرح کتاب التوحید من صحیح البخاری: ۱ / ۳۴۳).

بنابراین، شیء از اسماء الله نیست اما درباره خداوند گفته می شود و باب اخبار وسیع تر از باب نامها و صفات است، برای همین درباره الله گفته می شود که شیء است و موجود است و قدیم است و ازلی است حال آنکه اینها

از نام‌های پروردگار متعال نیست.

اما درباره این سخن پروردگار متعال که فرموده است:

﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا رُؤُوسًا لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [ذاریات: ۴۹]

(و از هر چیزی دو گونه (نر و ماده) آفریدیم، امید که عبرت گیرید)

معنایش این است که الله تعالی چیزها را بر دو جنس آفریده: نر و ماده، گرم و سرد، شب و روز و الی آخر.

ابن جوزی . رحمه الله . می‌گوید: «این سخن حق تعالی که فرموده: ﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا رُؤُوسًا﴾ یعنی از دو جنس و نوع، مانند نر و ماده، خشکی و آب، شب و روز، شیرین و تلخ، نور و تاریکی و شبیه آن. ﴿لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (باشد که عبرت گیرید) و بدانید که خالق جفت‌ها خود یگانه است» (زاد المسیر: ۴ / ۱۷۲).

بنابراین آیه فوق درباره اشیا مخلوق است که الله آنها را دو جفت متقابل آفریده است.

از جمله این سخن پروردگار متعال که می‌فرماید:

﴿وَأَنَّهُ خَلَقَ الرُّؤُوسَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى﴾ [نجم: ۴۵]

(و اوست که دو نوع می‌آفریند، نر و ماده)

و آنجا که می‌فرماید:

﴿فَجَعَلَ مِنْهُ الرُّؤُوسَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى﴾ [قیامة: ۳۹]

(و از او دو زوج مرد و زن آفرید)

یا آنجا که درباره نوح . علیه السلام . می‌فرماید:

﴿قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ رُؤُوسٍ اثْنَيْنِ﴾ [هود: ۴۰]

(گفتیم در آن [کشتی] از هر حیوانی یک جفت حمل کن).

بنابراین چه ربطی است بین این آیه و اینکه درباره الله شیء هم گفته می‌شود؟ جز آنکه ملحد بگوید: تا وقتی که الله شیء است پس باید جفت باشد!

به این گم گشته نادان گفته می شود: اینجا الله متعال درباره اشیاى آفریده شده سخن گفته است. بنابراین چطور در عقلت. اگر بنابر عقل سخن می گویی. چنین چیزی آمده که چون او از هر شیء یک چیز خلق کرده پس وی یک جفت خالق دیگر هم به جز خود «خلق» کرده است؟!

نتیجه عقل و فہمت این است؟

این آیه خیلی مختصر و واضح دارد درباره قدرت الله عزوجل و تصرف او در امر جهان سخن می گوید که اینها از مظاهر قدرت و عظمت و یگانگی اوست، اینکه او از هر چیز دو جفت آفریده است.

ابن کثیر رحمه الله می گوید: ﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلْقًا رُؤًوسًا﴾ یعنی: همه آفریدگان جفت هستند: آسمان و زمین، شب و روز، خورشید و ماه، خشکی و دریا، روشنی و تاریکی، ایمان و کفر، مرگ و زندگی، بدبختی و خوشبختی، بهشت و دوزخ، حتی حیوانات و جن و انس و نر و ماده و گیاهان.

برای همین می فرماید: ﴿لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (باشد که عبرت گیرید) یعنی بدانید که خالق خودش واحد است و شریکی ندارد» (تفسیر ابن کثیر: ۴۲۴/۷).

خالق قطعاً یگانه است و ممکن نیست آفریدگان جهان دو تا باشند و جهان استقرار یابد، زیرا بالاخره یکی از آن دو بر دیگری غالب می شود و سپس به تنهایی پروردگاری می کند، همانگونه که می فرماید:

﴿مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ﴾ [مومنون: ۹۱]

(الله فرزندی اختیار نکرده و با او معبودی [دیگر] نیست و اگر جز این بود قطعاً هر خدایی آنچه را آفریده [بود] با خود می برد و حتماً بعضی از آنان بر بعضی دیگر برتری می جستند. منزه است الله از آنچه وصف می کنند).

ابن کثیر. رحمه الله. در تفسیرش می گوید: «یعنی اگر مقدر شده که چند خدا باشند هر یک با آفریدگان خود به گوشه ای می رفت و دیگر جهان روی نظم نمی دید اما آنچه دیده می شود یک وجود منظم و هماهنگ است، هر یک از جهان های بالا و پایین به یکدیگر مرتبط هستند، در اوج کمال:

﴿مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ﴾ [ملک: ۳]

(در آفرینش آن پروردگار رحمان هیچگونه اختلاف [و تفاوت و ناهماهنگی] نمی بینی)

سپس هر یک خواهان برتری بر دیگری و مخالفت با او می شد و هر یک بر دیگری سرکشی می کردند.

بعید نیست جاهل دیگری بیاید و بگوید: اگر الله یک شیء است پس در این سخن خداوند وارد می شود که:

﴿اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾ [زمر: ۶۲]

(الله خالق هر چیزی است و او بر هر چیز نگهبان است).

اینجا می‌گوییم: الله خالق هر شیء مخلوق است اما خود الله خالق است و خالق ممکن نیست که مخلوق باشد؛ چرا که اگر مخلوق و مجعول و مربوب بود آنکه او را خلق کرده و قرار داده بود، او خالق بود. اما او الله است! و اگر فرض کنیم که این دومی هم مخلوق بود باز نمی‌توانست خالق باشد و این تسلسل همچنان ادامه می‌یافت تا کار به امر بدیهی و آنچه ضرورت فکر و نظر است برسد: به «خالق» به خالق یگانه، واجب الوجود، که وجودش به ذات اوست و قبلا عدم نبوده و بعدا به فنا نمی‌رود و تنها خودش خالق است و ماسوایش مخلوق او و مربوب عظمت اویند. و آن خالق واحد همان کسی است که اهل دین و ایمان او را می‌شناسد. او الله است، واحد احد، فرد صمد!

مانند این است که مثلا کسی بگوید: الله موجود است، و هر موجودی مخلوق الله.

می‌گوییم: الله موجودات مخلوق را آفریده و خود خالق چنانکه پیش‌تر بیان کردیم ممکن نیست که مخلوق باشد.

حاصل آنکه «شیء» و «موجود» از نام‌های مشترک است که بر قدیم و مُحدث و بر خالق و مخلوق اطلاق می‌شود.

اما عاقل از این اطلاق به این حجت که او شیء و موجود است چنین برداشتی نمی‌کند که خالق خودش را آفریده چرا که این جمع بین نقیضین است، بین خالق که مسبوق به عدم نیست و مخلوقی که قبلا عدم بوده است.

مراجعه نمایید به پاسخ سوال (87677).

والله اعلم.